



تبیین جایگاه و ویژگی‌های انحصاری اهل بیت علیهم‌السلام در کلام امام حسین علیه‌السلام

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۶

محمد عترت دوست^۱

چکیده

از مهم‌ترین وظایف مسلمانان، شناخت راهنمایان حقیقی دین اسلام است. یکی از مراحل کسب این معرفت، آشنایی با جایگاه و مقام اهل بیت علیهم‌السلام و ویژگی‌های انحصاری ایشان است. از آنجا که بخشی از منابع دینی، کلمات و سخنان بر جای مانده از امامان شیعه علیهم‌السلام است، از این رو، در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا به عنوان یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور، به مطالعه بخشی از احادیث و روایات پیردازیم و با استفاده از کلمات نورانی آن بزرگواران، به شناخت آن‌ها نائل شویم. در این پژوهش، بخشی از روایات اعتقادی امام حسین علیه‌السلام مطالعه شده که بیانگر نکات قابل توجهی درباره جایگاه حقیقی و ویژگی‌های انحصاری اهل بیت علیهم‌السلام است. بررسی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تأکید بر موضوع اهل بیت علیهم‌السلام و تلاش برای تبیین جایگاه حقیقی آن‌ها به مثابه راهنمایان حقیقی دین اسلام، بالاترین فراوانی را در مجموع کلمات آن امام همام داشته است. از منظر امام حسین علیه‌السلام، مقام معلمی همه موجودات، کسب بالاترین مقام در عبودیت و تسلیم الهی بودن، دستیابی به مقام عصمت و برخورداری از حق مودت از جمله ویژگی‌های انحصاری اهل بیت علیهم‌السلام است.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت علیهم‌السلام، امام حسین علیه‌السلام، امامت، فقه الحدیث، روش تحلیل محتوا.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. Etratdoost@sru.ac.ir

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی طبق ابلاغ شماره 9409 انجام شده است

مقدمه

حسین بن علی (علیه‌السلام) از امامان دوازده‌گانه شیعه امامیه و یکی از چهارده معصوم (علیهم‌السلام) است. طی دوره امامت ۱۱ ساله ایشان، انحراف از اصول و موازین حقیقی دین اسلام به اوج خود رسیده و بنی‌امیه با سیاست بهره‌گیری ابزاری از دین در راستای منافع شخصی و قومی خود، موجبات تحریف دین اسلام را پدید آورده بود (ر.ک: بیهقی، ۱۳۴۴ ق، ج ۲: ۲۱۳). سیاست ضد اسلامی معاویه مانند جعل حدیث، تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود، تخریب افکار عمومی برای وجهه شرعی بخشیدن به اقدامات ظالمانه و ترویج فرقه‌های باطل نظیر جبریه و مرجئه، موجبات مسخ و انحراف دین اسلام را پدید آورده و ذلت را بر جامعه اسلامی حکم‌فرما ساخته بود. تاریخ این دوره از جامعه اسلامی، پر از شواهدی است که نشان می‌دهد این دگرگونی و انحراف فراگیر و نهادینه‌شده، جامعه اسلامی را با خود هم‌رنگ ساخته بود (ر.ک: مولوی نیا، ۱۷۲: ۱۳۸۶ و ۱۷۳).

امام حسین (علیه‌السلام) به‌منظور مقابله با انحرافات حاکم بر جامعه، مجموعه اقدامات اثرگذاری انجام دادند که بقای دین اسلام را تضمین کرد. از جمله این اقدامات اثرگذار می‌توان ایراد خطبه‌های متعدد، مناظره با افراد، نگارش نامه‌های فراوان، بیعت نکردن با خلیفه وقت، ترک حج و درنهایت جهاد با فریب‌خوردگان حکومت اموی را ذکر کرد که منجر به شهادت ایشان شد. در این میان، بررسی کلمات گهربار و ارزشمند ایشان به‌مثابه چراغی روشن در مقابل آیندگان قرار دارد تا بر اساس آن، عدل و حقیقت را در همه جوامع بشری ترویج کنند و جامعه آرمانی خود را تشکیل دهند، اما بی‌شک این اقدام بدون فهم عمیق، دقیق و جامع و کامل کلمات ایشان و استخراج یک مدل منطقی از آن‌ها، امکان‌پذیر نیست. نیاز اصلی جامعه علمی، بهره‌مندی از روشی است که بتواند این مجموعه کلمات ارزشمند را به‌گونه‌ای نظام‌مند و عینی، مطالعه کند.

به همین منظور در این مقاله تلاش شده تا چگونگی مواجهه با کلمات معصومین (علیهم‌السلام) برای استخراج یک مدل منطقی و تبیین پایه‌های اعتقادی جامعه اسلامی در ضمن بررسی موردی مفهوم و جایگاه «اهل بیت (علیهم‌السلام)» در کلام امام حسین (علیه‌السلام) به تصویر بکشیم

و از این رهاورد، در حرکت اصلاحی و جهادی آن امام همام در مبارزه با تحریفات و بقای دین اسلام گامی برداشته باشیم. ابتدا روش تحقیق و سپس چگونگی جمع‌آوری اطلاعات و نتایج حاصل از تحلیل منطقی و نظام‌مند آن‌ها را شرح می‌دهیم و موضوع مورد مطالعه را در قالبی نوین به تصویر خواهیم کشید.

۱. روش تحلیل محتوای احادیث

روش «تحلیل محتوا»^۱ به‌منظور دستیابی به ویژگی‌های مختلف پیام، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های صادرکننده پیام، علل صدور و آثار پیام، برای تجزیه و تحلیل عینی و منتظم پیام‌های مختلفی که از طرق گوناگون مبادله می‌شوند به کار می‌رود (عزتی، ۱۳۷۶: ۲۳۰). مزیت‌های خاص این روش عبارت است از: استناد دقیق و استفاده آسان به طوری که به‌کارگیری آن به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد و بخش عمده‌ای از اطلاعات لازم برای شناسایی، در آن جمع‌آوری شده‌اند (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۳۵). عمده‌ترین کاربردهای تحلیل محتوا عبارت است از: مطالعه اطلاعات به‌منظور پاسخ دادن به این پرسش‌ها که «چه کسی؟»، «چه چیزی را؟»، «به چه کسی؟»، «چرا؟»، «چگونه؟» و «با چه تأثیری؟» می‌گوید (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

موریس دوورژه^۲ می‌نویسد: «تحلیل محتوا مقوله‌بندی همه اجزای یک متن در جعبه‌های مختلف است. بدین ترتیب مقدار اجزای عنصری که در هر جعبه مرتب شده‌اند، متن را مشخص می‌کنند» (جانی پور، ۱۳۹۰: ۱۲). تحلیل محتوا، ابزار پژوهشی است که برای تعیین وجود واژه‌ها یا مفاهیم درون یک متن یا مجموعه‌ای از متون به کار می‌رود. پژوهشگران با این روش، معانی کلمات و روابط بین آن‌ها را بررسی و تحلیل و پیام‌های نهفته در متن‌ها یا پیام‌های مؤلفان یا مخاطبان و حتی فرهنگ و زبان این پیام‌ها را تفسیر می‌کنند (رسولی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۹) به‌کارگیری این روش در بررسی متون دینی و روایی، موجب شناختی متفاوت و عمیق درباره روایات صادر شده از اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌شود.

1. Content Analysis

2. Morris Dvvrzhh

با توجه به تعاریفی که از روش تحلیل محتوا ارائه شده است، در این تحقیق از میان انواع فنون این روش، فن تحلیل محتوای مضمونی انتخاب شده است. روش بازشناسی و تحلیل محتوای متون، به صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کند؛ بنابراین، آشنایی با این فنون در روش تحلیل محتوا بسیار ضروری است. در روش کاربردی تحلیل محتوای روایات امام حسین (علیه‌السلام)، ابتدا عبارت‌های روایات به جملات مستقل تقسیم و در جدول‌های تحلیل محتوا بر اساس اقسام نگرش در روایات، موضوع اصلی و موضوعات فرعی تعیین شده است (ر.ک: عترت دوست، ۱۴۰۰: ۲۱۹-۲۴۲).

از میان سه کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین (علیه‌السلام)» تألیف شریفی و دیگران (۱۳۷۳)، «مسند الامام الشهید ابی عبدالله الحسین بن علی» تألیف عزیز الله عطاردی (۱۳۷۶) و «دانشنامه امام حسین (علیه‌السلام)» که زیر نظر آقای ری شهری (۱۳۸۸) تألیف شده، کتاب اخیر که به بررسی جامع‌تری از سخنان امام حسین (علیه‌السلام) پرداخته است، به عنوان منبع اصلی این تحقیق انتخاب شد. جامعیت، استفاده از منابع کهن و معتبر، بهره‌گیری از منابع شیعه و اهل سنت، اعتبارسنجی، نظم و دسترسی آسان از ویژگی‌های این کتاب است. جلد سیزدهم و چهاردهم این دانشنامه در بردارنده کلیه سخنان منسوب به امام حسین (علیه‌السلام) است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸). در این کتاب ۴۳۸ حدیث با توجه به عنوان و هدف تحقیق از دو جهت بررسی شد:

الف. بررسی و انتخاب احادیثی که از زبان امام (علیه‌السلام) نقل شده یا اینکه امام حسین (علیه‌السلام) از پدر یا جد خود نقل کرده‌اند.

ب. گزینش گزاره‌های اعتقادی یا نگرشی از میان احادیث.

منظور از گزاره‌های نگرشی، گزاره‌هایی است که بیانگر یک اندیشه است و منطوق آن دلالتی بر امر و نهی یا باید و نباید نمی‌کند؛ البته به دنبال هر نگرشی برخی بایدها و نبایدها مطرح می‌شود، اما این باید و نباید از منطوق در نمی‌آید بلکه لازمه آن نگرش است. در هر نگرشی یک اعتقاد نهفته است، اما چون ممکن است به هر نگرشی، اعتقاد عمیق ایجاد نگردد مثلاً خبرش را ضعیف بدانیم یا سندش را ضعیف بدانیم، بنابراین

عنوان نگرش را به‌مثابه عنوانی عام برای این دسته از احادیث انتخاب کردیم. در واقع اعتقاد یعنی آن نگرشی که در درون انسان ایجاد می‌شود.

در مقابل گزاره‌های نگرشی، گزاره‌های کنشی وجود دارد که به انسان رفتار می‌دهد و به دو دسته فقهی و اخلاقی تقسیم می‌شود. مراد از اخلاقیات سلسله بایدها و نبایدهایی است که قطع نظر از توصیه و تشویق اسلام به آن، عقل و وجدان انسان نیز به آن پی می‌برد و آن را می‌پذیرد. مراد از احکام یا گزاره‌های فقهی، بایدها و نبایدهایی است که اگرچه عقل می‌تواند به کلیت و اصل آن پی ببرد و آن را بپذیرد و رد کند، اما تشریح آن با شرایط و اجزای مخصوص صرفاً از جانب شارع صورت می‌گیرد (برای آگاهی بیشتر ر.ک: فیض، ۱۳۶۳: ۱-۳).

در ملاک تمایز روایات نگرشی از کنشی یا به معنای خاص‌تر، اعتقادی از غیراعتقادی، توجه به این نکته اساسی لازم است که مراد از روایات اعتقادی، روایاتی است که به انسان بینش می‌دهد، نه بینش به‌علاوه عمل، ولی روایات اخلاقی و فقهی منطوق آن روایاتی است که به‌طور مستقیم توصیه به عمل یا رفتاری می‌نماید. بعد از گزینش احادیث اعتقادی (نگرشی) یا قسمت‌های اعتقادی احادیث، متن آن به جملات کامل تقسیم‌شده و در جدول قرار گرفته است. منظور از جمله کامل، جمله‌ای است که حداقل از یک مسند و مسندالیه تشکیل شده که هر دو یا یکی از آن‌ها می‌تواند مقدر باشد و به‌لحاظ امکان می‌تواند یک یا چند وابسته داشته باشد و بر یک پیام مستقل دلالت دارد.

۲. تحلیل محتوای کئی احادیث اعتقادی امام حسین (علیه‌السلام)

برای تحلیل محتوای روایات، نخست باید آن‌ها را دسته‌بندی و برای دسته‌بندی روایات باید قدر مشترک میان هر بخش از روایات را پیدا کرد. انتخاب یک محور مشترک در گزاره‌هایی که دارای موضوع واحدی است، می‌تواند ملاک این دسته‌بندی قرار گیرد. اساساً در روش کاربردی برای تحلیل محتوا باید یک مقسم کلی داشت که آن مقسم کلی همان مضاف الیه کلمه محتواست. مثلاً تحلیل محتوای روایات اعتقادی یا فقهی

یا اخلاقی. مقسم یا جامع کلی در این پژوهش تحلیل محتوای روایات اعتقادی امام حسین (علیه‌السلام) است. در مرحله بعد ذیل مقسم نیز اقسامی وجود دارد که باید به گونه‌ای دسته‌بندی شود که با یکدیگر تداخل و هم‌پوشانی نداشته و خود نیز نسبت به اجزای ذیل خود به‌عنوان یک موضوع کلی قابل تقسیم به اجزا خود باشد. در مرحله بعد استنباط اجزا ذیل مقسم دوم با رفت و برگشت در داده‌های ذیل مقسم دوم صورت می‌گیرد.

از میان ۴۳۸ حدیثی که بر اساس تعاریف پژوهش بررسی شد، ۳۰۶ حدیث در ذیل احادیث اعتقادی قرار گرفت که از زبان امام حسین (علیه‌السلام) یا از زبان امام حسین (علیه‌السلام) به نقل از پدران‌شان نقل شده است. از ۳۰۶ حدیث اعتقادی جداسازی شده نیز ۲۰۰ فقره آن‌ها، از زبان امام (علیه‌السلام) و ۱۰۶ فقره دیگر از زبان امام (علیه‌السلام) به نقل از پدران‌شان است. درخور ذکر است با توجه به اینکه، تأکید امام حسین (علیه‌السلام) بر سخنان پدر و جدشان به‌وسیله نقل این سخنان، نشانه اهتمام و توجه ویژه ایشان به آن موضوع مهم است، در این مقاله صرفاً سخنان امام (علیه‌السلام) به نقل از پدران‌شان تحلیل و بررسی شده است. همچنین شایان ذکر است در این پژوهش مراد از موضوع اصلی، دلالت‌های مطابقی کلام یا به تعبیر منطقیان مفهوم تصدیقی یا منطوق جمله است، چراکه در هر جمله ممکن است چندین دلالت وجود داشته باشد، اعم از دلالت‌های مطابقی، تضمینی و دلالت‌های التزامی یا مفهوم موافق و مفهوم مخالف (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۵: ۳۲۸-۳۴۸).

نکته حائز اهمیت هنگام استفاده از روش تحلیل محتوا آن است که سنجش فراوانی کمی هر کدام از موضوعات، راه ورود به تحلیل‌های کیفی و توصیفی است و به محقق نشان می‌دهد که می‌باید به کدامین موضوعات بپردازد و مدل مفهومی و توصیفی آن‌ها را تبیین کند. از میان ۱۴ گروه اعتقادی طبقه‌بندی شده از مجموع روایات تحلیل شده در این پژوهش، سه حوزه نگرشی: اهل بیت، ذکر و دعا و امامت بیشترین فراوانی کمی را داشته که با تمرکز بر حوزه اهل بیت به تبیین مدل مفهومی آن پرداخته شده است.

۳. تحلیل محتوای کیفی احادیث اعتقادی امام حسین (علیه‌السلام)

پس از بررسی ۴۳۸ حدیث و گزینش ۳۱۰ حدیث اعتقادی که از زبان امام (علیه‌السلام) یا از زبان امام (علیه‌السلام) به نقل از پدران‌شان است و بررسی تک‌تک عبارات احادیث و تقسیم آن به جملات مستقل، ۶۱۰ گزاره استخراج شد؛ سپس برای هر گزاره با بررسی حوزه نگرشی آن، موضوعات اصلی و جهت‌گیری خاص آن مشخص شد؛ در ادامه با استخراج دلالت‌های مطابقی و غیرمطابقی جملات، موضوعات اصلی و موضوعات فرعی تعیین شد و در جدول‌های تحلیل محتوا قرار گرفت. با توجه به محدودیت، از میان ۶۱۰ جدول سه مورد از آن به‌عنوان نمونه همراه شرح برخی از آن‌ها با توجه به موضوع اصلی حدیث در ادامه خواهد آمد:

<p>۳۵۹۹. الأمالی للطوسی یاسناده عن الحسين بن علي (علیه‌السلام): حَدَّثَنِي أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه‌السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي وَقَاتَلَهُمْ، وَعَلَى الْمُعْتَرِضِ عَلَيْهِمْ وَالسَّابِّ لَهُمْ، «أَوْلَيْكَ لَا خَلْقَ لَهُمْ فِي الْأَخْرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.»</p>			
<p>طوسی به سندش، از امام حسین (علیه‌السلام): پدرم امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) برایم گفت که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «بهشت، بر کسی که به خاندانم ستم کند و با آنان بجنگد، حرام است؛ و نیز بر کسی که متعرض آنان شود و به آنان، ناسزا بگوید.» اینان را بهره‌ای در آخرت نیست. خدا با آنان، سخن نمی‌گوید و روز قیامت، به آنان نمی‌نگرد و پاکشان نمی‌سازد و عذابی دردناک دارند.»</p>			
حوزه نگرشی	حوزه کنشی	موضوع اصلی (دلالت‌های مطابقی کلام)	موضوع فرعی (دلالت‌های غیرمطابقی کلام)
اهل بیت	دشمنی با اهل بیت	محرومیت از بهشت عاقبت دشمنی با اهل بیت به هر شکل ممکن	دشمنی با اهل بیت به هر شکل ممکن مصداق فروش پیمان با خدا به بهای اندک

در این روایت از یک‌طرف می‌فرماید: بهشت بر کسی که ظلم به اهل بیت بکند، به هر شکل ممکن حرام است و بعد به نیمه دوم آیه ۷۷ آل عمران اشاره می‌کند. حال با توجه به صدر آیه که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أَوْلَيْكَ لَا خَلْقَ

لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ...» در می‌یابیم که پیامبر اکرم (علیه‌السلام) دشمنی با اهل بیت را فروختن پیمان با خدا به بهای اندک می‌داند و نتیجه آن را از ذیل آیه مذکور، پنج محرومیت اخروی می‌داند.

<p>۳۸۵۳. الأُمالي للطوسي بإسناده عن الحسين بن علي عن علي: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ دِينَا كَانَ عَلِيًّا، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! قُلْ: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ، وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ»، فَلَوْ كَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ صَبِيرٍ دِينَا قَضَاهُ اللَّهُ، عَنْكَ. وَصَبِيرٌ: جَبَلٌ بِالْيَمَنِ، لَيْسَ بِالْيَمَنِ جَبَلٌ أَجَلٌ وَلَا أُعْظَمَ مِنْهُ.</p>			
<p>۳۸۵۳. الأُمالي، طوسی به سندش، از امام حسین (علیه‌السلام)، از امام علی (علیه‌السلام): از بدهی‌ای که داشتیم، به پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شکوه کردم. فرمود: «ای علی! بگو: خداوندا! مرا به حلال از حرامت، و به بخشش خودت، از غیر خودت، بی‌نیاز کن. پس اگر بدهی‌ات مانند صَبِير باشد، خدا برایت می‌پردازد.» صَبِير، نام کوهی در یمن است که در آن سرزمین، کوهی بلندتر از آن نیست.</p>			
حوزه نگارشی	حوزه کنشی	موضوع اصلی (دلالت‌های مطابقی کلام)	موضوعات فرعی (دلالت‌های غیرمطابقی کلام)
ذکر و دعا	مطلوب انسان مؤمن	درخواست بی‌نیازی از حرام به واسطه حلال و بی‌نیازی از دیگران به واسطه فضل خدا	بی‌نیازی در حلال است نه در حرام و فضیلت در آن چیزی است که خدا می‌دهد.

و

<p>۳۶۱۴. الإرشاد في ذكر مسير الإمام الحسين (عليه السلام) الى كربلاء: ...وإن أتيتم إلا كراهية لنا والجهل بحقنا، فكان رأيكم الآن غير ما أتنني به كُتِبْكُمْ وَقَدِمْتُمْ بِهِ عَلَيَّ رُسُلُكُمْ، انصَرَفْتُ عَنْكُمْ.</p>			
<p>در یادکرد حرکت امام حسین (علیه‌السلام) به سوی کربلا: ... و اگر تنها به جهت ناخوش داشتن ما و جهل به حق ما نمی‌پذیرید، اکنون، رأی‌تان غیر از آن چیزی است که نامه‌های‌تان و فرستادگان شما به من گفته‌اند. از شما روی می‌گردانم.</p>			
حوزه نگارشی	حوزه کنشی	موضوع اصلی (دلالت‌های مطابقی کلام)	موضوعات فرعی (دلالت‌های غیرمطابقی کلام)
امامت	حکومت امام بر مردم	محقق شدن حکومت امام با رأی مردم	اعتقاد امام به مردم‌سالاری

اگر مراحل مختلف مربوط به تحلیل ابتدایی با دقت انجام شده باشد، مرحله تحلیل نهایی و استخراج مقولات، چیزی جز تدوین اطلاعات منظم اخذ شده نخواهد بود؛ چه در مواردی که روش‌های به کار گرفته شده دستی باشند یا عمل به وسیله کامپیوتر انجام شود، ادامه جریان برنامه خودبه‌خود و پشت سر هم خواهد بود. این مرحله عبارت است از تحلیل محتوای توصیفی بر اساس تحلیل محتوای کمی داده‌ها (باردن، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

این مرحله، مرحله نهایی کار عملی تحقیق است و به این دلیل که همه نتایج تحقیق در این قسمت مشخص می‌شود، حائز اهمیت خاص است. این قسمت خلاصه‌ای از یافته‌ها و ایده‌های کل فرایند علمی تحقیق است. برای اینکه نتیجه‌گیری بهتر انجام شود، محقق باید به تفکر و تجزیه و تحلیل ذهنی بیشتری بپردازد. نتیجه‌گیری کاری انتزاعی و فکری، اما متکی بر تجزیه و تحلیل داده‌هاست و منطق و قدرت استدلال محقق جایگاه ویژه‌ای در آن دارد.

در این بخش، اطلاعات به دست آمده از طریق تحلیل محتوای کمی و کیفی، به نحوی استخراج می‌شود که معنی دار، گویا و معتبر باشد. برنامه‌های آماری ساده همچون درصدگیری و تحلیل عاملی، این امکان را می‌دهد که نتایج به صورت جدول و نمودار ارائه شود. «زمانی که از تحلیل، نتایج معنی دار و مطمئن به دست آمد، تحلیلگر می‌تواند پیشنهاد استنباط بدهد و تفسیرهای خودش را درباره اهداف یا کشفیات پیش‌بینی نشده، گسترش دهد. از طرف دیگر نتایج به دست آمده و نوع استنباط‌ها می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای تحلیل‌های دیگر که در ابعاد نظری جدید یا با فنون متفاوتی انجام می‌شود نیز مورد استفاده قرار گیرند» (همان: ۱۱۵).

۴. طبقه‌بندی حوزه‌های نگرشی احادیث اعتقادی امام حسین (علیه‌السلام)

بیان شد که برای تحلیل محتوای روایات، نخست باید آن‌ها را دسته‌بندی و برای دسته‌بندی روایات باید قدر مشترک میان هر بخش از روایات را پیدا کرد. انتخاب یک محور مشترک در گزاره‌هایی که موضوع واحدی دارد، می‌تواند ملاک این دسته‌بندی قرار گیرد. نتیجه دسته‌بندی احادیث، چینش گزاره‌ها در ۱۴ محور مشترک یا حوزه نگرش

است که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده:

ردیف	حوزه‌های نگرشی	فراوانی	ردیف	حوزه‌های نگرشی	فراوانی
۱	اهل بیت	۱۵۵	۸	عقل	۱۹
۲	ذکر و دعا	۱۲۸	۹	قضا و قدر	۱۹
۳	امامت	۹۷	۱۰	معاد	۱۸
۴	خدانشناسی	۴۶	۱۱	علم	۱۴
۵	مفهوم‌شناسی اصطلاحات دینی	۳۶	۱۲	امت اسلام	۸
۶	قرآن	۳۳	۱۳	اهتمام به اخلاق نیک	۸
۷	دشمنان اهل بیت	۲۱	۱۴	دنیا	۵

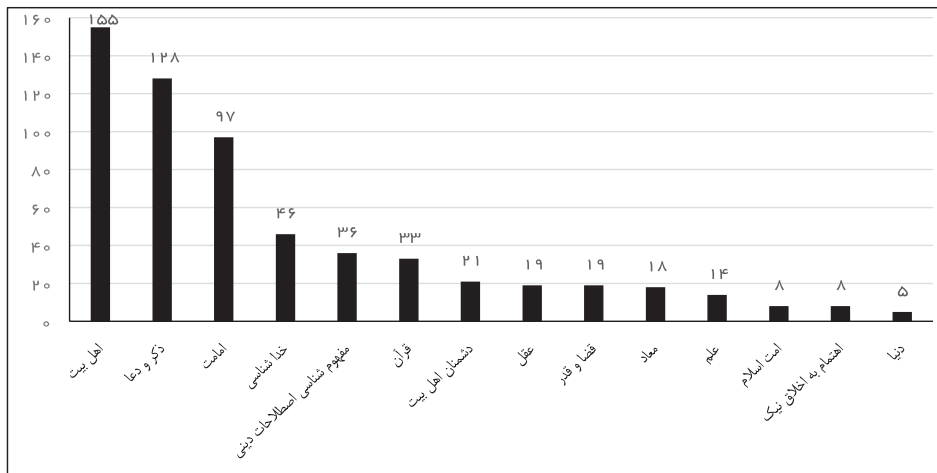
از این ۱۴ حوزه‌های نگرشی، سه حوزه اهل بیت، ذکر و دعا و امامت بیشترین فراوانی را دارد و کمترین حوزه‌ای که در سخنان امام (علیه‌السلام) به آن پرداخته شده موضوع «دنیا» است. تأکید بر یک مطلب و تکرار آن به دفعات می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که موضوع از نظر گوینده کلام بسیار مهم بوده و گوینده سعی دارد به‌انحای مختلف اهمیت این موضوع را بیان کند؛ بر این اساس و جدول فوق، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که سه موضوع اهل بیت، امامت و ذکر و دعا برای امام حسین (علیه‌السلام) نسبت به موضوعات دیگر از درجه اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

برای تحلیل ترتیب فراوانی میان این حوزه‌های نگرشی، باید توجه داشت که این اهم و مهم‌ها از نظر امام حسین (علیه‌السلام) می‌تواند دو عامل داشته باشد: اول؛ از جهت اهمیت آن موضوعات در منظومه و نظام فکری دین اسلام، دوم؛ از جهت نیاز مخاطبان و اقتضائات آنان و شرایط زمانه که این مطلب هم می‌تواند چند زیر دسته داشته باشد:

الف. وجود داشتن گره‌های ذهنی برای افراد پرسشگر یا همه مردم و جامعه در موضوعات خاص. ممکن است جامعه‌ای باشد که در مسئله‌ای دارای گره فکری شده باشد و امام (علیه‌السلام) تأثیرگذاری و کارایی نظام فکری دین را وابسته به حل کردن آن گره فکری خاص می‌داند؛ هرچند ممکن است مسائل دارای اهمیت بیشتری هم باشد، ابتدا به آن می‌پردازد تا ذهن پرسشگر و جامعه آرام گیرد و نظام فکری را بپذیرد.

ب. رعایت سطح فهم مخاطب و جامعه، زیرا شناخت فرد و جامعه نمی‌تواند به یک‌باره عمیق شود و این نیاز به شیب و تدریج دارد؛ بنابراین اگر امام با یک جامعه بدون تبلیغات مضر و بدون شبهات فکری برخورد می‌کردند، ترتیب‌بندی موضوعات اصلی نامه‌ها ممکن بود عوض شود. مثلاً در حوزه «قضا و قدر» و حوزه «مفهوم‌شناسی اصطلاحات دینی» ذیل حوزه دوم ایمان اشاره می‌شود که قسمتی از اهمیت این موضوع به دلیل فعالیت‌های گروه‌های فکری ناسالم در این زمینه است.

فراوانی حوزه های نگرشی روایات اعتقادی امام حسین (ع)



نمودار شماره ۱

ترتیب فراوانی‌ها می‌تواند حاصل از یک یا هر دوی این عوامل باشد. حالا اگر هر دوی این عوامل در یک جهت عمل کرده باشند، یعنی هر دو عامل به اولویت اول بودن موضوع یا هر دو عامل به اولویت آخر بودن موضوع حکم کرده باشند، ترتیب اول و آخر به دست آمده و جوامع وسط، ممکن است از هم‌افزایی یا هم‌کاهی این عوامل برخوردار باشد.

۵. جایگاه و منزلت اهل بیت (علیهم‌السلام) از منظر امام حسین (علیه‌السلام)

مسئله جایگاه و منزلت اهل بیت (علیهم‌السلام) و ارزش آنان، از جمله مسائل مهمی است که از هر دو جهت اشاره شده در بحث قبلی یعنی اهمیت در نظام فکری دین اسلام و اهمیت به جهت نیاز مخاطب و شرایط جامعه، در صدر اولویت قرار گرفته است؛ بنابراین با جمع نمودارهای مربوطه، بیشترین فراوانی را کسب کرده‌اند.

از جهت اهمیت در نظام فکری دین اسلام، روایات بسیار زیادی وجود دارد که از آن جمله، روایتی است که می‌فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدِّي بِالْوَلَايَةِ»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۸). ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان ارکان دین، نقش کلیدی دارد، چراکه امام معصوم، راهنمای دین است.

از جهت نیاز مخاطب نیز می‌دانیم که بنی‌امیه و به‌خصوص معاویه برای انهدام اصل تمسک به اهل بیت (علیهم‌السلام) و شخصیت ایشان از جمله امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، فعالیت‌های زیادی انجام داد. معاویه از یک‌سو، سیاست فشار سیاسی و اقتصادی را دربارهٔ مسلمانان آزاده و راستین اعمال می‌کرد و با کشتار، قتل، شکنجه، آزار، تحمیل فقر و گرسنگی بر آنان، از هرگونه اعتراض و جنبش و مخالفت جلوگیری می‌کرد. از سوی دیگر، با احیای تبعیض‌های نژادی و رقابت‌های قبیله‌ای در میان قبایل، آنان را به جان هم می‌انداخت و از این رهگذر نیروهای آنان را تضعیف می‌کرد تا خطری از ناحیه آنان متوجه حکومت وی نگردد. از سوی سوم، به کمک عوامل مزدور خود با جعل حدیث، تفسیر و تأویل آیات قرآن به نفع خود، افکار عمومی را تخدیر می‌کرد و به حکومت خودش وجهه مشروع و مقبول می‌بخشید.

این سیاست ضد اسلامی، به‌اضافهٔ عوامل دیگر همچون ترویج فرقه‌های باطل نظیر جبریه و مرئه که از نظر عقیدتی با سیاست معاویه همسو بودند، آثار شوم و مرگبار در جامعه به وجود آورده و سکوت تلخ و ذلت‌باری را بر جامعه حکم‌فرما ساخته بود. بر اثر این سیاست شوم، شخصیت جامعه اسلامی مسخ و ارزش‌ها دگرگون شده بود، به طوری که مسلمانان، با آنکه می‌دانستند اسلام هیچ‌وقت اجازه نمی‌دهد، آنان مطیع زمامداران بیدادگری باشند که به نام دین بر آن‌ها حکومت می‌کنند، با این حال، بر اثر ضعف و ترس و ناآگاهی، از زمامداران ستمگر

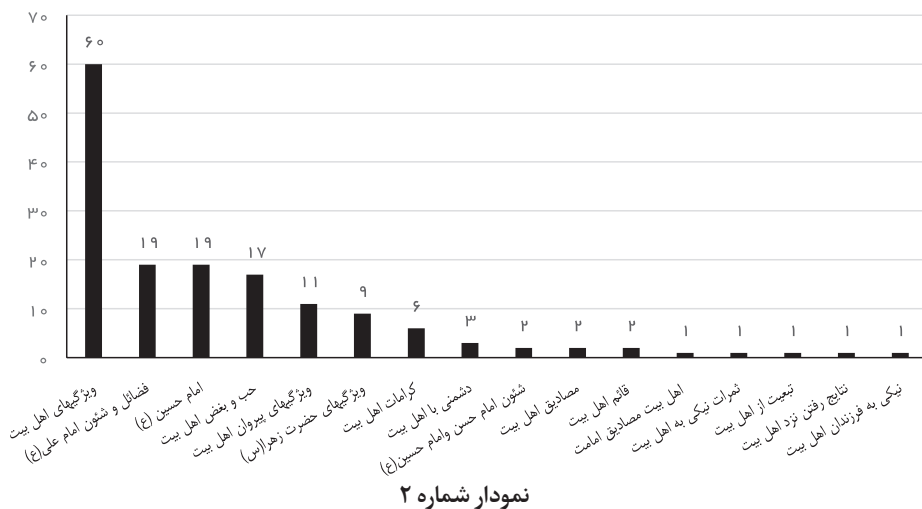
۱. دین اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و هیچ‌یک از آن ارکان به پای رکن ولایت نمی‌رسد.

(محمد عترت دوست)

پشتیبانی می‌کردند. بر اثر این سیاست، مسلمانان، برخلاف منطق قرآن و تعالیم پیامبر ﷺ، تبدیل به افرادی ترسو، سازشکار و ظاهرساز شده بودند (ر.ک: مولوی نیا، ۱۳۸۶: ۱۷۲ و ۱۷۳).

از طرف دیگر عده‌ی زیادی از تازه‌مسلمانان و مسلمانان شام، اسلام خودشان را با قرائت معاویه از دین دریافت کرده بودند؛ بنابراین اهل بیت واقعی و محبت و تبعیت از آنان نه تنها جایگاهی نداشت، بلکه دشمنی با ایشان جزو فضایل شمرده می‌شد و جایگاه و منزلت اهل بیت واقعی در ذهن بسیاری از مسلمانان از بین رفته بود، اما در میان شیعیان و محبین اهل بیت نیز، غالباً نگاه این افراد به اهل بیت (علیهم‌السلام)، نگاه به عنوان یک امام معصوم نبوده است، بلکه به دید نوّه پیامبر و یک انسان دارای فضیلت می‌نگریستند یا به دید یک منجی سیاسی که می‌توان با تمسک به او، حکومت را به دست گرفت. از این جمله است برخورد قسمتی از مردم کوفه با ایشان که تمایل داشتند با ورود امام به کوفه، حکومت که از کوفه به شام منتقل شده بود، مجدد به کوفه برگردد و در نتیجه از بهره‌های بیشتر اقتصادی که بر اثر مرکز حکومت بودن ایجاد می‌شود، استفاده کنند؛ بنابراین در چنین موقعیتی لازم است که اصل امامت و جایگاه امام به مردم آموزش داده شود. پس از بررسی گزاره‌هایی که در محور اهل بیت مشترک هستند، مؤلفه‌های متعددی در این موضوع استخراج شده که نمودار آن به این شرح است:

فراوانی حوزه‌های کنشی موضوع اهل البیت (علیهم‌السلام)



امام حسین (علیه‌السلام) در بیان مفهوم اهل بیت و شناساندن آن‌ها از یک طرف به بیان ویژگی‌های مختلف آن‌ها پرداخته و در پی نشان دادن جایگاه ایشان به آثار و نتایج حب و بغض اهل بیت، ثمرات نیکی به آن‌ها، نتایج رجوع به ایشان و کرامات آن‌ها می‌پردازد. بخش دیگری از کلمات اختصاص دارد به معرفی مصادیق مشخصی از اهل بیت همچون امام علی (علیه‌السلام) و حضرت زهرا (علیها‌السلام) و در دفاع از آن‌ها، به بیان شئون، ویژگی‌های و فضایل اختصاصی از آن‌ها می‌پردازد. امام حسین (علیه‌السلام) با بیان حسب و نسب و ویژگی‌هایی برای خود در مقام معرفی خویشان به‌عنوان یکی از مصادیق اهل بیت است. نمودار شماره ۲ گویای آن است که آنچه امام حسین (علیه‌السلام) در موضوع اهل بیت بیشتر بر آن تأکید می‌کند، مربوط به ویژگی‌های اهل بیت است.

امام حسین (علیه‌السلام) در بیان جایگاه و ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) سخن بسیار گفته است؛ زیرا با تمام سفارش‌های پیامبر درباره اهل بیت که «فَاطِمَةُ مَهْجَةُ قَلْبِي، وَأَبْنَاهَا ثَمَرَةُ قُودِي، وَبَعْلُهَا نُورُ بَصْرِي، وَالْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِهَا أُمْنَاءُ رَبِّي وَحَبْلُهُ الْمَمْدُودُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى»^۱ (کد: ۱-۷۱) پس از سقیفه بنی ساعده و غصب مقام خلافت ظاهری امیر مومنان امام علی (علیه‌السلام)، فشار مضاعفی به اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وارد شده، به طوری که حضرت فاطمه (علیها‌السلام) به سبب شدت جراحات وارد شده ۷۵ یا ۹۵ روز پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، از دنیا رفت و سپس امام علی (علیه‌السلام) در مسجد به ضربت ابن ملجم مرادی به شهادت رسید و زمانی نگذشت که امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) نیز به زهر مسموم شد و به شهادت رسید.

امام حسین (علیه‌السلام) همچنین با اشاره به ملاقات شکایت‌آمیز حضرت زهرا (علیها‌السلام) با پدرش در قیامت به خاطر آزردن فرزندان او از دست امت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «لَتَلْقَيْنَنَّ فَاطِمَةَ أَبَاهَا شَاكِيَةً مَا لَقِيَتْ ذُرِّيَّتَهَا مِنْ أُمَّتِهِ، وَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَحَدٌ آذَاهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا»^۲ (کد: ۱-۷۶)

۱. فاطمه، حیات دل من است و پسرانش، میوه دل من، شوهرش نور دیده‌ام و امامان از نسل او، امامتداران پروردگارم و ربسمان کشیده شده میان او و خلقت هستند. هر کس به آنان چنگ زند، نجات می‌یابد و هر کس از آنان رو بگرداند، سرنگون می‌شود.
۲. بی‌گمان، فاطمه (علیها‌السلام) به پدرش از آنچه فرزندانش از امت دیده‌اند، شکایت می‌برد و هر کس که فاطمه (علیها‌السلام) را با آزردن فرزندانش، آزار دهد، به بهشت در نمی‌آید.

علاوه بر تصریح به مصیبت‌های وارد شده بر خاندان اهل بیت، استمرار آزرده‌گی حضرت زهرا (علیها‌السلام) را تا قیامت خاطر نشان می‌سازد.

امام حسین (علیه‌السلام) در سخنان خود به تشریح و تبیین مقامات و منازل اهل بیت می‌پردازد و می‌فرماید: «یا عْتَبَةُ، قَدْ عَلِمْتَ أَنَا أَهْلَ بَيْتِ الْكِرَامَةِ وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ، وَأَعْلَامِ الْحَقِّ الَّذِينَ أَوْدَعَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قُلُوبَنَا، وَأَنْطَقَ بِهِ أَلْسِنَتَنَا، فَتَنَقَّطَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ الْخِلَافَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ» وَكَيْفَ أَبِيعُ أَهْلَ بَيْتِ قَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذَا؟!» (کد: ۷-۱) تا جایگاه و مقام خودش را تبیین کرده و با مقایسه مستقیم و ضمنی خود با دولت اموی و رهبران آنان، رسوایی را برای آنان به ارمغان آورد.

۶. ویژگی‌های انحصاری اهل بیت (علیهم‌السلام) از منظر امام حسین (علیه‌السلام)

در این قسمت تلاش می‌کنیم، مضامین یا همان ویژگی‌های بیان شده درباره اهل بیت را دسته‌بندی و از آن‌ها برای مدل‌سازی نهایی، مقوله‌هایی کلیدی استخراج کنیم. با دسته‌بندی موضوعات اصلی یا همان دلالت‌های مطابقی گزاره‌های که حوزه دوم آن‌ها ویژگی‌های اهل بیت تعریف شد، این نتیجه به دست آمد که برخی از این ویژگی‌ها در ارتباط با خدا، تعدادی در ارتباط با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پیامبران، بعضی مرتبط با قرآن، شماری مرتبط با قیامت و برخی نیز جزو ویژگی‌های خاص و انحصاری اهل بیت دسته‌بندی می‌شود که این ارتباطات با عنوان «مقوله» تعریف شده و جدول فراوانی آن‌ها به همراه شماره ارجاع به حدیث مذکور در متن اصلی تحقیق به شرح ذیل است:

۱. ای عتبه! تو می‌دانی که ما، اهل بیت کرامت و معدن رسالتیم و نشانه‌های برافراشته حق؛ کسانی که خداوند عز و جل، حق را در دلمان به ودیعت نهاد و زبانمان را به آن، گویا کرد. پس به اذن خدای عز و جل به سخن درآمدیم همانا شنیدیم جدم پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: بی‌تردید، خلافت بر فرزندان ابوسفیان، حرام است و من چگونه با خاندانی بیعت کنم که پیامبر خدا ﷺ درباره آن‌ها چنین گفته است!

جدول ۲: مقوله‌بندی ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)

مقوله	موضوعات اصلی حوزه نگرشی اهل بیت (علیهم‌السلام)
رابطه اهل بیت و خدا	اتحاد اراده خدا و اراده اهل بیت
	حزب غالب خدا
	درخواست کمک از خداوند در عمل و فکر
	سب اهل بیت سب خدا
	راضی بودن به خواست و حکم خداوند
رابطه اهل بیت و پیامبر	یکی دانستن پیروزی و شکست خود با شکست و پیروزی پیامبر
	تأسی از پیامبر
	عترت دانستن خود
رابطه اهل بیت و پیامبران	معرفی به نام اهل بیت پیامبر
	اهل بیت از نسل پیامبران
رابطه اهل بیت و قرآن	اقتباس از آیات در اندیشه‌ورزی
	استناد به آیات در اندیشه‌ورزی
	مصدقات متقین در آیه فَاِنَّمَا يَسْتَرْزَنُ... ^۱
	شان نزول آیه تطهیر ^۲
	اختصاص آیه پایانی سوره قدر
	تفسیر و تأویل و دنبال کردن حقایق قرآن بر عهده اهل بیت
رابطه اهل بیت و قیامت	تقرب به خدا به وسیله اهل بیت سبب آزادی از جهنم
	شناخت حق پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی (علیه‌السلام) و اطاعت از آن دو موجب استحقاق بهشت می‌شود
	مکتوب بودن نام خمسه طیبه بر در بهشت
	احاله حکمیت به قیامت
	مایه خوشبختی بودن مرگ
	شفاعت
	جمع شدن اهل بیت و دشمنان آن‌ها در روز قیامت

۱. اشاره به آیه: «فَاِنَّمَا يَسْتَرْزَنُ بِلِسَانِكُمْ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا»، در حقیقت، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نودید، و پرده ستیزه‌جو را بدان بیم دهی (مریم، ۹۷).

۲. اشاره به آیه: «اِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً»، خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند (احزاب، ۳۳).

ویژگی‌های خاص اهل بیت	حق بودن فکر و نطق اهل بیت
	منبع پربرکت و همیشگی
	عصمت
	عدم تعلق صدقه
	برتری اهل بیت بر ملائکه
	پاک دانستن اهل بیت از پلیدی به خواست خدا
	قرار دادن محبت شدید به اهل بیت توسط خداوند
	وجود اهل بیت مایه استقرار اهل زمین بر روی زمین
	محال دانستن جهل اهل بیت نسبت به آنچه مردم می‌دانند
	معدن رسالت
	اهل بیت محل رفت‌وآمد ملائکه و معلم ملائکه
	برتری در میان آفریدگان
	شکست‌پذیری ظاهری اهل بیت
	خلقت نوری
	مستجاب الدعوه بودن
	خسته‌کننده بودن زندگی دنیوی در سایه حکومت ستمگران برای اهل بیت
	داوری و حکومت کردن مانند حکومت آل داود
سبب آغاز و پایان آفرینش بودن اهل بیت	

در ادامه تلاش شده است تا به برخی از مهم‌ترین و انحصاری‌ترین ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) اشاره شود که بیان آن‌ها کمک شایانی به تبیین و تشریح جایگاه حقیقی اهل بیت از منظر امام حسین (علیه‌السلام) می‌کند. بدیهی است بیان این موارد به نقل از امام معصوم که سخن او حجت است، برای شیعیان و پیروان اهل بیت ثمرات اعتقادی و آموزشی والایی داشته و اساساً فلسفه انتخاب موضوع تحقیق نیز همین کارکردهای اعتقادی و آموزشی آن بوده است.

۶-۱. اهل بیت (علیهم‌السلام) و مقام معلمی همه موجودات

با توجه به بیان موضوع تعلیم ملائکه توسط اهل بیت، امام حسین (علیه‌السلام) در بیان منزلت و جایگاه اهل بیت در هستی نه تنها خود را معلم انسان‌ها می‌داند، بلکه بر آن است تا مقام تعلیم اهل بیت را برای کل هستی بیان کند و بگوید که هر موجودی اعم از ملائکه، اجنه و انسان، اگر چیزی از علم و دانش دارد، از اهل بیت است. از این رو، وقتی از امام حسین (علیه‌السلام) پرسیده شد: «أَيُّ شَيْءٍ كُنْتُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ (علیه‌السلام)؟ قَالَ كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَنُعَلِّمُ لِلْمَلَائِكَةِ التَّسْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّحْمِيدَ»^۱ (کد: ۱-۳۲).

پس وقتی اهل بیت، خود مستقیم از تعلیم الهی برخوردارند و فرشتگان را تعلیم می‌دهند، به اولویت باید معلم مردمان باشند و مردم به ایشان مراجعه کنند، نه آنکه برای تعلیم به در خانه دیگران بروند. پس برای اینکه خداوند بندگی و عبادت شود، منوط و مشروط به شناخت و معرفت نسبت به خداست و این شناخت و معرفت تنها از طریق تعلیمات و آموزه‌های اهل بیت برای همگان از جمله انسان و جن شدنی است. از آنجا که تعلیمات و آموزش‌های اهل بیت نسبت به همه چیز است و آنان به عنوان دارندگان صفات و اسمای کامل الهی، مرجع علمی همه هستی هستند، مردم می‌باید برای معرفت و شناخت خداوند به آنان مراجعه کنند تا زمینه عبادت برای آنان فراهم شود.

اگر خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات هدف آفرینش انسان و جن را عبادت خویش معرفی می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۲ (ذاریات: ۵۶)، این عبادت نیازمند شناختی است که از طریق اهل بیت به دست می‌آید. از این روست که امام حسین (علیه‌السلام) در تفسیر خلقت برای عبادت به مقدمه آن یعنی معرفت توجه می‌دهد و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ»

۱. قبل از این که خداوند عزوجل آدم (علیه‌السلام) را خلق کند، شما چه چیزی بودید؟ فرمود: ما شیخ‌هایی از نور بودیم که بر گرد عرش خدا می‌چرخیدیم و به ملائکه درس تسبیح و توحید و ستایش خدا را می‌آموختیم.

۲. و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا ببرستند.

فَإِذَا عَبْدُوهُ اشْتَغَبُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ»^۱ (کد: ۲-۴ و ۳-۴) بنابراین، اهل بیت به‌عنوان معلم هستی معرفی می‌شوند؛ زیرا وقتی فرشتگان از آنان تعلیم می‌گیرند، دیگران نیز از فرشتگانی چون جبرئیل (علیه‌السلام) تعلیم می‌گیرند و هر کسی به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از تعلیم آنان بهره‌مند می‌شود.

۲-۶. اهل بیت (علیهم‌السلام) و مقام عبودیت و تسلیم

از جمله تصاویر ترسیم شده توسط امام حسین (علیه‌السلام) برای اهل بیت، تسلیم بودن آن‌ها در برابر خواست خدا و خشنودی در آنچه مایلیم با طبع نیست، ولی رضای خدا در آن است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَإِذَا أَرَادَ مَا نَكَرَهُ فِيمَا يُحِبُّ رَضِينَا» (کد: ۱-۱۴). اهل بیت در مقابل خواست خدا و تقدیر او کاملاً راضی بودند و این را برای خود، کمال می‌دانستند و با پشتوانه «رضا»، هر مشکل و بلا و مصیبتی را صبورانه و عاشقانه تحمل می‌کردند. در مسائل اجتماعی نیز هرگز پسند و رضایت مردم را بر رضای الهی ترجیح نمی‌دادند و آنچه تکلیف بود عمل می‌کردند. مهم رضای الهی بود، هر چند به‌خشم مردم می‌انجامید. در این مسیر اوج کمال، رضای عبد از خدا و رضای خدا از عبد تعریف می‌شود؛ آنجا که شعار «رِضَا اللَّهِ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (کد: ۱-۳) از کلمات نورانی امام و خاندان او در هنگام خروج از مکه به سمت کربلا در ضمن خطبه‌ای بیان می‌شود و نمونه دیگری از مقام «رضا» را در مسیر راه کوفه، اباعبدالله (علیه‌السلام) پس از برخورد با فرزدق و آگاهی از اوضاع کوفه، فرمود: «إِنْ نَزَلَ الْقَضَاءُ بِمَا نُحِبُّ فَنَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَائِهِ، وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى أَدَاءِ الشُّكْرِ، وَإِنْ حَالَ الْقَضَاءُ دُونَ الرَّجَاءِ فَلَمْ يُبْعِدْ مَنْ كَانَ الْحَقُّ نَيْتَهُ وَالْتَقَى سَرِيرَتَهُ»^۲ (۱-۴) حضرت همچنان خواهر خویش را نیز به تسلیم و رضا دعوت می‌کرد «تَعَزِّي بِعَزَاءِ اللَّهِ»^۳ (۹-۱۸) تا پس از شهادتش بی‌تابی و نارضایی از خود نشان ندهد.

۱. ای مردم! خداوند بندگان را آفرید تا او را بشناسند، آن‌گاه که او را شناختند، پرستش کنند و آن‌گاه که او را پرستیدند، از پرستش غیر او بی‌نیاز شوند.
۲. اگر قضای الهی آن‌گونه که دوست داریم، فرود آید، خداوند را بر نعمت‌هایش می‌ستاییم و از او در سپاس‌گزاری، یاری گرفته می‌شود و اگر قضای الهی از رسیدن به آرزویمان مانع شد، آنکه نیتش حق و درونش پرهیزگاری باشد، دور نمی‌افتد.
۳. به تسلیت الهی، تسلی بگیر.

۳-۶. اهل بیت (علیهم‌السلام) و مقام عصمت

امام حسین (علیه‌السلام) هنگام خروج از مکه در بیان تسلیم و رضای خود در برابر خواسته خداوند می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانَا أَهْلَ الْبَيْتِ، نَصِيْرٌ عَلَيَّ بَلَائِهِ، وَيُؤَفِّقُنَا أَجْوَرَ الصَّابِرِينَ»^۱ (کد: ۱-۳). امام (علیه‌السلام) در این سخنان با اشاره به اتحاد اراده خدا و اراده اهل بیت به یکی از ویژگی‌های اختصاصی اهل بیت اشاره و مقام عصمت را درباره اهل بیت به اثبات می‌رساند. همچنین حضرت با اشاره به آیه تطهیر «إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ الطَّهَارَةِ الَّذِينَ أَنْزَلَ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَقَالَ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۲ (کد: ۱-۲۰). شأن نزول آن را درباره خود و پدر و مادرش و تمام اهل بیت می‌داند.

امام حسین (علیه‌السلام) با تأکید بر سخن پیامبر که فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ؛ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»^۳ (کد: ۱-۲۳) اهل بیت را عدل و همتای قرآن میدانند و چون لازمه همتایی، همگونی و همسانی است و از آنجا که قرآن، سخن حق است و سر سوزنی از واقع و درستی منحرف نمی‌شود، همتای آن‌ها نیز باید چنین باشد؛ زیرا در غیر این صورت، همتای قرآن نخواهند بود. به دیگر سخن، از آنجا که پیامبر ﷺ، قرآن و اهل بیت را تا روز رستاخیز وسیله هدایت معرفی می‌کند، تا زمانی که هر دو در کنار حوض کوثر به وی برسند، باید هر دو از خلاف و اشتباه مصون باشند، زیرا امکان ندارد افرادی که وسیله هدایت بشر تا روز رستاخیز هستند، خطا و اشتباهی مرتکب شوند.

امام (علیه‌السلام) با بیان این اعتقاد، مردم را توجیه کرده است که در زمینه دین به کتاب و عترت تمسک جویند و با آن دو به نیکویی عمل کنند و حق آن‌ها را بر خود مقدم

۱. رضایت خدا، رضایت ما اهل بیت است. بر بلایش شکیبایی می‌کنیم و او هم پاداش شکیبایان را تمام و کمال به ما می‌دهد.
 ۲. ما اهل بیت طهارتیم که خدای عز و جل (درباره ما) بر پیامبرش محمد ﷺ چنین نازل کرد «خداوند، اراده کرده که آلودگی را از شما اهل بیت، دور دارد و شما را در کمال پاکیزگی بدارد.
 ۳. من در میان شما دو چیز گران‌بها به‌جا نهادم: کتاب خدا و خاندانم، [یعنی] اهل بیتم. آن دو، هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند تا آنکه در اقیامت و در کنار حوض کوثر، بر من درآیند.

دارند؛ چراکه قرآن معدن علوم دینی و اسرار و حکمت‌هاست و دربارهٔ اهل بیت هم با توجه به پاکی اهل بیت در کلام «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (کد: ۱-۱۹) و به این جهت که هرگاه عنصر پاک شد، بر فهم دین کمک می‌کند و از طرفی، پاکی عنصر به نیکویی اخلاق به صفای قلب و پیراستگی و طهارت آن منتهی می‌شود.

همچنین در این کلام با توجه به اینکه مراد از جدایی، جدایی زمانی و مکانی نیست، چون قرآن و اهل بیت هم از لحاظ زمان از یکدیگر دور شدند و هم از لحاظ مکان، پس مراد این است که به لحاظ معارفی که قرآن بر آن مشتمل است، اهل بیت از آن معارف جدا نیستند و قرآن و اهل بیت اتحاد معرفتی دارند و لازمهٔ جدا نشدن آن‌ها، عصمت اهل بیت است. امام (علیه‌السلام) همچنین با قرار دادن اهل بیت در کنار قرآن به افضلیت خود و اهل بیت اذعان دارد.

امام حسین (علیه‌السلام) با نقل سخن جدشان آنجا که می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لَكُمْ، فَأَحِبُّوهُمْ لِحُبِّي، وَتَمَسَّكُوا بِهِمْ لَنْ تَضَلُّوا»^۱ (کد: ۱-۸۰) تمسک به اهل بیت در حوزهٔ دین را مانع ضلالت می‌داند و به عصمت علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) اشاره دارد.

امام (علیه‌السلام) با ارائهٔ اعتقاد خود در کلام «إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَالْحَقُّ فِينَا، وَبِالْحَقِّ تَنْطِقُ السِّنُّنَا»^۲ (کد: ۱-۲۲) و «أَنَا أَهْلُ بَيْتِ الْكِرَامَةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ، وَأَعْلَامُ الْحَقِّ الَّذِينَ أَوْدَعَهُ اللَّهُ عِزَّوَجِلَّ قُلُوبِنَا، وَأَنْطَقَ بِهِ السِّنُّنَا، فَتَنْطَقَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ عِزَّوَجِلَّ»^۳ (کد: ۱-۳۵) به ویژگی حق بودن فکر و نطق اهل بیت اشاره و پیوستگی اهل بیت با حق را دلیل بر عصمت اهل بیت می‌داند.

۱. اهل بیت من، [ما] به امان شمایند. پس آن‌ها را به سبب محبت من، دوست بدارید و بدیشان، چنگ در زیند تا هرگز گم راه نشوید.

۲. ما خاندان پیامبر خدا ﷺ هستیم. حق، در میان ماست و زبان ما به حق، گویاست.

۳. ما اهل بیت کرامت و معدن رسالتیم و نشانه‌های برافراشته حق؛ کسانی که خداوند عز و جل، حق را در دلمان به ودیعت نهاد و زبانمان را به آن، گویا کرد. پس به اذن خدای عز و جل به سخن درآمد.

۶-۴. اهل بیت (علیهم‌السلام) و حق مودت

امام حسین (علیه‌السلام) دربارهٔ محبت و مودت اهل بیت می‌فرماید: «الرِّمُوا مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ يُحِبُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا»^۱ (کد: ۱-۵۵) و همچنین به نقل از جدشان می‌فرماید: «وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي»^۲ (کد: ۱-۴۸). از الزام به‌کاررفته در کلام امام (علیه‌السلام) می‌توان استنباط کرد که مودت و محبت اهل بیت به‌عنوان یک حق در اسلام مطرح است. امام (علیه‌السلام) یادآور می‌شود که مردم باید این حق را پاس بدانند و محبت اهل بیت را فراراه حرکت تکاملی‌شان ببینند، چراکه اهل بیت به خاطر فضایل و کراماتی که دارند، سزاوار محبت‌اند. دوستی آن‌ها در واقع پاسخ به ندای ناصحانهٔ پیامبر، هم‌نشینی با آن بزرگوار در قیامت و استفاده از مقام شفاعت است. «مَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَهُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ وَالْوَسْطَى»^۳ (کد: ۱-۴۴).

دوستی اهل بیت مستلزم پیروی از سیره و روش آنان است، چنان‌که امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. فَقُلْتُ: مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟! فَقَالَ: مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا. ثُمَّ قَالَ (علیه‌السلام) أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»^۴ (کد: ۱-۵۸). امام (علیه‌السلام) تأکید می‌کند تبعیت از اهل بیت سبب ورود به این خانواده از نظر معنوی می‌شود، چنان‌که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: (سلمان منا اهل البیت). در این مسیر، امام (علیه‌السلام) اصل و حد کمال را بر محبت قلبی و همراهی با اهل بیت با دست و زبان قرار می‌دهد و می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِقَلْبِهِ، وَجَاهَدَ مَعَنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ؛ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي الرِّفِيقِ الْأَعْلَى»^۵ (کد: ۱-۵۵) و در صورت نبود یکی از مراحل، مراتب پایین‌تری را محب قائل است و می‌فرماید: «وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَجَاهَدَ مَعَنَا بِلِسَانِهِ، وَضَعَفَ عَنِ أَنْ يُجَاهِدَ

۱. به مودت ما اهل بیت ملتزم باشید که هر کس خدا را دیدار کند، درحالی‌که ما را دوست می‌دارد، با شفاعت ما به بهشت وارد می‌شود.

۲. اهل بیتم را به خاطر من، دوست بدانید.

۳. هر کس ما را برای خدا دوست بدارد، ما و او، در روز قیامت، مانند این دو هستیم و به انگشت اشاره و میانی‌اش اشاره کرد.

۴. هر کس ما را دوست بدارد، از ما اهل بیت است گفتیم: از شما اهل بیت؟! فرمود: «از ما اهل بیت». این جمله را تا سه بار، تکرار کرد و سپس فرمود: «آیا گفته ابراهیم، بنده شایستهٔ [خدا] را نشنیده‌ای که: «هر کس از من پیروی کند، از من است. اشاره به آیه: «رَبِّ إِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَنَّاتٍ مِنْكَ كَثِيرًا مِنْ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ پروردگارا! آن‌ها [بت‌ها] بسیاری از مردم را گمراه ساختند! هر کس از من پیروی کند از من است؛ و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی (ابراهیم، ۳۶).

۵. هر کس ما اهل بیت را به دل دوست بدارد و با زبان و دستش همراه ما بجنگد، با ما در بهشت، در رفیق اعلی خواهد بود.

مَعْنَا بِيَدِهِ؛ فَهُوَ مَعْنَا فِي الْجَنَّةِ دُونَ تِلْكَ. وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ، وَصَعَفَ عَنِ أَنْ يُجَاهِدَ مَعَنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ؛ فَهُوَ مَعْنَا فِي الْجَنَّةِ دُونَ ذَلِكَ»^۱ (کد: ۱-۵۵).

حضرت همچنین با بیان مراتب عداوت، مردم را از دشمنی با اهل بیت بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ، وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَيَدِهِ؛ فَهُوَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ. وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ، وَكَفَّ عَنَّا يَدَهُ؛ فَهُوَ فِي النَّارِ فَوْقَ ذَلِكَ. وَمَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ، وَكَفَّ عَنَّا لِسَانَهُ وَيَدَهُ؛ فَهُوَ فِي النَّارِ فَوْقَ ذَلِكَ»^۲ (کد: ۱-۵۵) همچنین امام (علیه‌السلام) در بیان مراحل و میزان دوستی و دشمنی با اهل بیت به بیان ارتباط بین درجات بهشت و جهنم با میزان و نوع ارتباط با اهل بیت می‌پردازد.

به همین دلیل، خداوند متعال، دوستی اهل بیت را سبب ریزش گناهان معرفی کرده است. خداوند نظام هستی را بر اساس نظام اسباب قرار داده است. با آنکه خود می‌تواند مستقیم با «كُنْ فَيَكُونُ» هر چیزی را هستی بخشد: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۳ (بقره، ۱۱۷)، به اسباب توسل می‌جوید و از مردمان می‌خواهد تا اسباب را در نظر آورند و به‌کار گیرند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۴ (مائده، ۳۵). امام حسین (علیه‌السلام) نیز در تایید عالم اسباب و در معرفی این اسباب محبت اهل بیت را معرفی می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا نَفَعَهُ اللَّهُ بِحُبِّنَا وَإِنْ كَانَ أَسِيرًا فِي الدَّيْلِمِ، وَإِنَّ حُبَّنَا لَيُسَاقِطُ الذُّنُوبَ كَمَا تُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ»^۵ (کد: ۱-۶۰) پس همان‌طور که استغفار و توبه موجب ریزش گناهان است، توسل به محبت اهل بیت نیز این‌گونه است.

۱. و هر کس ما را به دل دوست بدارد و با زبانش همراه ما بجنگد، ولی از جنگیدن با سلاح به همراه ما ناتوان باشد، با ما در بهشت است، اما در درجه‌ای فروتر. و هر کس به دل ما را دوست بدارد و از اینکه با دست و زبان بجنگد، ناتوان باشد، با ما در بهشت است، اما از درجه قبلی هم فروتر.

۲. و هر کس به دل ما را دشمن بدارد و با دست و زبان، علیه ما بکوشد، در ژرف‌ترین ذرات آتش [دوزخ] است. و هر کس به دل و زبان با ما دشمنی کند، اما اقدام عملی انجام ندهد، در آتش است، اما بالاتر از درجه قبلی. و هر کس به دل ما را دشمن بدارد و دست و زبان خویش را از ما نگاه دارد، در آتش است، اما بالاتر از درجه قبلی.

۳. هستی‌بخش آسمان‌ها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می‌شود.

۴. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

۵. هر کس ما را دوست بدارد، خداوند، سودی از آن [دوستی] به او می‌رساند، هرچند در دیلم، اسیر باشد. بی‌گمان، محبت ما، گناهان را می‌ریزد همان‌گونه که باد، برگ را فرو می‌ریزد.

نتیجه‌گیری

استفاده از روش تحلیل محتوا دربارهٔ متون مقدس همچون کلمات معصومین (علیهم‌السلام) خود از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این تحقیق است. دیگر نتایج این تحقیق:

۱. هدف از بعثت انبیا، ارشاد خلق و هدایت آن‌ها به سوی حق است و کلام امام حسین (علیه‌السلام) نیز چون در بردارنده تمام مقاصد و اهداف شریعت است؛ بنابراین بیانات آن بزرگوار جلوه‌ای از کلام خدا و پرتوی از گفتار رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. به همین دلیل در تمام آنچه از سخنان آن امام (علیه‌السلام) تحلیل شده است، می‌توان این روح کلی را دریافت کرد.

۲. نتیجه بررسی احادیث امام حسین (علیه‌السلام)، چینش سخنان در چهارده حوزه نگرشی: اهل بیت، ذکر و دعا، امامت، خداشناسی، مفهوم‌شناسی اصطلاحات دینی، قرآن کریم، دشمنان اهل بیت، عقل، قضا و قدر، معاد، علم، امت اسلام، اهتمام به اخلاق نیک، دنیا است که از این ۱۴ حوزه نگرش سه حوزه اهل بیت، ذکر و دعا و امامت بیشترین فراوانی را دارد و کمترین حوزه‌ای که در سخنان امام (علیه‌السلام) به آن پرداخته شده، موضوع دنیا است.

۳. از آنجا که تأکید بر یک مطلب و تکرار آن به دفعات می‌تواند بیانگر این باشد که این موضوع از نظر گوینده کلام بسیار مهم بوده و گوینده سعی می‌کند به انحای مختلف اهمیت این موضوع را بیان کند، سه موضوع اهل بیت، امامت و ذکر و دعا برای امام حسین (علیه‌السلام) نسبت به موضوعات دیگر به جهت ارزش آن در منظومه و نظام فکری دین یا از جهت نیاز مخاطبان و اقتضائات آن‌ها یا از هر دو جهت از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳. مؤلفه‌های استخراج‌شده در موضوع اهل بیت، از یک طرف بیان ویژگی‌های مختلف اهل بیت، آثار و نتایج حب و بغض آن‌ها، ثمرات نیکی به اهل بیت، نتایج رجوع به ایشان و کرامات آن‌هاست و از طرف دیگر معرفی مصادیق مشخصی از اهل بیت همچون امام علی (علیه‌السلام)، حضرت زهرا (علیها‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) و دفاع از جایگاه آن‌ها به وسیله بیان ویژگی‌ها و فضایل اختصاصی از آن‌هاست؛ بیان ویژگی‌های اهل بیت بیشترین فراوانی را در میان مؤلفه‌های استخراج‌شده به خود اختصاص داده است.

۴. در ارائه تصویری از اهل بیت، امام حسین (علیه‌السلام) با بیان موضوع تعلیم ملائکه توسط اهل بیت در بیان منزلت و جایگاه آن‌ها در هستی نه تنها خود را به عنوان یکی از مصادیق اهل بیت، معلم انسان‌ها می‌داند بلکه بر آن است تا مقام تعلیم اهل بیت را برای کل هستی بیان کند و بگوید هر موجودی اعم از ملائکه، اجنه و انسان هر چیزی از علم و دانش دارد از اهل بیت است.

۵. اهل بیت در کلام امام حسین (علیه‌السلام) انسان‌های معرفی می‌شوند که در برابر خواست خداوند تسلیم هستند و از آنچه ملایم با طبع نیست، ولی رضای خدا در آن است خشنودند. امام (علیه‌السلام) اوج این کمال را رضای عبد از خدا و رضای خدا از عبد در جمله «رضی الله رضانا اهل بیت» تعریف می‌کند.

۶. امام حسین (علیه‌السلام) در تأیید عالم اسباب و در معرفی یکی از این اسباب محبت اهل بیت را متذکر می‌شود و توسل به محبت اهل بیت را وسیله‌ای برای ریزش گناهان می‌داند. امام (علیه‌السلام)، دوستی اهل بیت را مستلزم پیروی از سیره و روش آنان می‌داند و معتقد است، انسان می‌تواند با بهره‌گیری از عنصر محبت همراه با اطاعت و ولایت به عنوان اهل بیت سرافراز شود؛ «من احبنا کان منا اهل بیت» همان‌طور که سلمان به این مقام نائل شد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۳۷۶ق). الطبقات الكبرى. بیروت: دار بیروت.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۵). تحلیل محتوا. مترجم: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین. (۱۳۴۴ق). السنن الكبرى. حیدرآباد هند: مجلس دایره‌المعارف النظامیه.
- جانی پور، محمد. (۱۳۹۰). اخلاق در جنگ (تحلیل محتوای مکاتبات امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام) و معاویه). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۵). الموجز فی اصول الفقه. ترجمه و شرح: علی عدالت. قم: نصایح.
- شریفی، محمود [و دیگران]. معهد تحقیقات باقر العلوم (علیه‌السلام) منظمه الاعلام الاسلامی. (۱۳۷۳). موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه‌السلام). قم: دارالمعروف.
- عترت دوست، محمد. (۱۴۰۰). «گونه‌شناسی و منبع‌یابی قدرت نرم در قرآن کریم». فصلنامه قدرت نرم. سال ۱۱. پیاپی ۲۷. صص: ۲۱۹-۲۴۲.
- عزتی، مرتضی. (۱۳۷۶). روش تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- عطاردی قوچانی، عزیزالله. (۱۳۷۶). مسند الامام الشهدا ابی عبدالله الحسین بن علی (ع). تهران: عطارد.
- فیروزان، توفیق. (۱۳۶۰). روش تحلیل محتوا. تهران: آگاه.
- فیض، علیرضا. (۱۳۶۳). مبادی فقه و اصول. تهران: دانشگاه تهران.
- کریندورف، کلوس. (۱۳۷۸). میانی روش شناسی تحلیل محتوا. مترجم: هوشنگ نائینی. تهران: روش.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان. (۱۳۸۱). روش تحقیق در علوم اجتماعی. مترجم: عبد الحسین نیک گهر. تهران: توتیا.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۱۲ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم‌السلام). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸). دانشنامه امام حسین (علیه‌السلام). قم: دارالحدیث.
- مولوی نیا، محمد جواد. (۱۳۸۶). تاریخ چهارده معصوم (علیهم‌السلام). قم: موسسه انتشاراتی امام عصر (علیه‌السلام).